

مولانا و معنی زندگی

فرید بھبھانی

انکسیراں جانا مرا

معنی زندگی

مهمترین پرسش
عقلی و فلسفی همه زمان ها

همه خردمندان به نوعی
به آن پرداخته اند

معنی "معنی زندگی"

• معمولاً یکی از زوایای زیر:

– هدف زندگی

• مقصد نهایی که انسان در مسیر زندگی به دنبال آن است.

– ارزش زندگی

• میزان اهمیت و بهایی که برای بودن و تجربه زیستن قائل می‌شویم.

– کارکرد زندگی

• نقشی که زندگی در رشد، تکامل و پیوند انسان با جهان و دیگران ایفا می‌کند.

معنی "معنی زندگی"

• معمولاً یکی از زوایای زیر:

– هدف زندگی

• مقصد نهایی که انسان در مسیر زندگی به دنبال آن است.

– ارزش زندگی

• میزان اهمیت و بهایی که برای بودن و تجربه زیستن قائل می‌شویم.

– کارکرد زندگی

• نقشی که زندگی در رشد، تکامل و پیوند انسان با جهان و دیگران ایفا می‌کند.

معنی زندگی = چرایی زندگی

نگرش ها به دستیابی به معنی زندگی

- کشف معنی زندگی:

- معنا پیشاپیش در جهان یا درون ما وجود دارد
- وظیفه ما جستجو و یافتن آن است.

- آفرینش معنی زندگی:

- معنای از پیش تعیین شده ای نیست.
- معنا چیزی است که انسان با انتخاب های می آفریند.

- رها کن (در لحظه زندگی کن):

- پرسش نادرست و ناسودمند:
- باعث فراموشی زندگی واقعی در “امروز”
- جست و جوی افراطی و غلط برای معنا ما را از تجربه ی زیستن در لحظه باز می دارد.
- ول کن و بگذار خوش باشیم

(هدف بیشتر مردم)

نگرش ها به دستیابی به معنی زندگی

- کشف معنی زندگی:

- معنا پیشاپیش در جهان یا درون ما وجود دارد
- وظیفه ما جستجو و یافتن آن است.

- آفرینش معنی زندگی:

- معنای از پیش تعیین شده ای نیست.
- معنا چیزی است که انسان با انتخاب های می آفریند.

- رها کن (در لحظه زندگی کن):

- پرسش نادرست و ناسودمند:
- باعث فراموشی زندگی واقعی در “امروز”
- جست و جوی افراطی و غلط برای معنا ما را از تجربه ی زیستن در لحظه باز می دارد.
- ول کن و بگذار خوش باشیم

(هدف بیشتر مردم)

در عمل هر سه
را با هم داریم

روش این سخنرانی

- نمی‌دانیم چه چیزی حقیقت مطلق است
- ناچاریم زندگی کنیم
- ناچاریم یک هستی‌شناسی را اختیار کنیم، آگاهانه یا ناآگاهانه
- هر اختیار، بسته‌ای از پیامدها دارد
- این سخنرانی پیامدها را نشان می‌دهد — اختیار با شماست
- **نیمه اول سخنرانی:** مقایسه دو هستی‌شناسی و پیامدهایشان
- **نیمه دوم سخنرانی:** یک بسته خاص — عرفان عاشقانه مولانا

از لذت تا خوشبختی : یک مدل تقریبی برای سطوح تجربه انسانی

حال	منشأ	دوام	وابستگی به بیرون	سطح عمق
لذت	حسی یا ذهنی	کوتاه مدت	زیاد	سطحی
خوشی	هیجانی	گذرا	زیاد	سطحی تر
شادی	روانی و درونی	میان مدت	کمتر	معنوی - عاطفی
شادمانی	روحی و معنوی	پایدار	اندک	ژرف
نیکبختی	عقلانی و روحانی	پایدار و غایی	بسیار اندک	عالی ترین مرتبه

روانشناسی: اثر معنی زندگی در شادمانی و نیکبختی

- نیاز انسان به معنا

—از اساسی‌ترین نیازهای وجودی است.

- معنا به زندگی جهت، هدف و احساس ارزشمندی می‌دهد.

- نبود معنا

—می‌تواند به پوچی، افسردگی و اضطراب منجر شود.

روانشناسی: اثر معنی زندگی در شادمانی و نیکبختی

- نیاز انسان به معنا

— از اساسی‌ترین نیازهای وجودی است.

- معنا به زندگی جهت، هدف و احساس ارزشمندی می‌دهد.

- نبود معنا

— می‌تواند به پوچی، افسردگی و اضطراب منجر شود.

معنای زندگی --> سلامت روانی

تأثیر داشتن معنی در زندگی بر سلامت روان

- بهبود سلامت روان
- کاهش اضطراب و استرس
- افزایش تاب‌آوری در برابر مشکلات
- ارتقای احساس رضایت و خوشبختی
- تقویت انگیزه و امید به آینده
- هدف‌مندی
- انسجام و درک کلیت زندگی
- اهمیت و ارزش شخصی

چه هدفی برای سلامت روان مهم است؟

- مهم داشتن هدف است
- ولی چه نوع هدفی؟ هدف های کوچک یا بزرگ؟
- نیاز به هدف بزرگ نیست
- به سادگی: می تواند فراهم کردن زندگی خوب برای خانواده
- نیازی به از خود گذشتگی و رنج نیست
- نیازی نیست اقیانوس ها را به جوشش در بیاوریم.

شواهد علمی (تجربی)

اثر داشتن معنی در زندگی (همچنین اثر باور به ورای واقعیت و جاودانگی)

- پژوهش‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا :

— معنا یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های قوی شادمانی و نیک بختی است.

- لوگوتراپی : ویکتور فرانکل

— یافتن معنا حتی در رنج مانع فروپاشی روانی می‌شود.

- افرادی که احساس معنا دارند

— کمتر دچار افسردگی و اضطراب می‌شوند.

— حس شادمانی و نیک بختی بیشتر

هدف کوتاه مدت یا بلند مدت



- مثال کوتاه مدت: معتاد (لذت لحظه ای)
– هدف خیلی کوتاه مدت دارد – به قیمت نداشتن نیک بختی
- هدف در طول زمان متحول می شود
- هدف های کلی زندگی: معنی دار تا آخر عمر (و پس از آن!)
– کار و موفقیت مهم در طول زندگی
– ولی در پایان وقت گذراندن با عزیزان
- هدف جاودانگی
– حقیقت ما، فرزندان، اثر ماندگار ما بر دیگران
– روح ما

مکاتب فلسفی و دینی و معنی زندگی

نمونه فیلسوف یا متفکر	ویژگی کلیدی	محور اصلی معنا	دیدگاه / مکتب
پیامبران	برای کمال و رستگاری روح است	ارتباط با خدا و هدف آفرینش	ادیان ابراهیمی
افلاطون، ارسطو	سعادت از شناخت و عمل عقلانی به دست می آید	هماهنگی روح با خیر مطلق و پرورش فضیلت	فلسفه یونان باستان
ژان پل سارتر، آلبر کامو	زندگی ذاتاً بی معناست؛ فرد باید خود معنا بیافریند	معنا ساخته انسان است نه داده جهان	اکزистانسیالیسم
فریدریش نیچه	یا باید پوچی را پذیرفت یا معنا را از نو آفرید	نفی هر معنای عینی و از پیش داده	نیهیلیسم
سنکا، مارکوس اورلیوس	آرامش از درون و از خرد می جوشد، نه از کنترل بیرونی	زیستن با فضیلت و پذیرش تقدیر	رواقی گری
بودا	نیروانا و رهایی کامل از: هدف نهایی دل بستگی	رهایی از رنج و چرخه تولد و مرگ (سامسارا)	بودیسم

پاسخها بسیار متفاوت اند؛ اختلاف فقط در جزئیات نیست، در خود هستی شناسی است

نگاه های کلی به معنی زندگی (بسته به هستی شناسی)

نگاه	غایت	معنای زندگی چیست؟	نمایندگان
دینی	رستگاری، اطاعت	بندگی و ارتباط با خدا	قرآن، انجیل، تورات
عرفانی	وصال، فنا	بازگشت به اصل، عشق	مولوی، ابن عربی، بودا
فلسفی	خودسازی، آزادی	ساخت معنا یا پیروی از عقل	کانت، نیچه، سارتر
شرقی	رهایی	هماهنگی با دائو یا نیروانا	بودا، لائوتسه، شانکارا
علمی	بقا، تکامل	بی معنا، معنا به مثابه سازوکار مغز	داوکینز، هراری
اجتماعی	مسئولیت، اخلاق	رابطه با دیگران	کنفوسیوس، شوایتزر
پوچ گرایانه هستی گرا	هیچ	معنایی نیست، باید بسازیم	نیچه، کامو

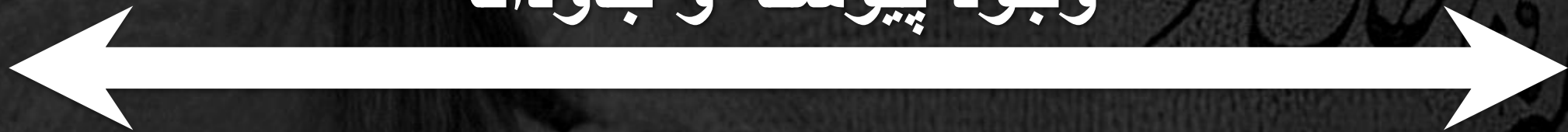
خود شناسی انسان : بازه زمانی

مرگ
دنیایی

تولد
دنیایی

پا

وجود پیوسته و جاودانه



خود شناسی انسان : بازه زمانی

مرگ | تولد
دنیایی | دنیایی

پا

وجود پیوسته و جاودانه

؟ کدام باور را
اختیار می کنیم؟

سه پاسخ کلی برای هستی شناسی

- واقع گرایی (ماده گرایی) مطلق

– تنها جهان واقعی که با 5 حس دریافت می کنیم وجود دارد

– Positivism

- اواخر قرن 19 اوایل 20

- نظریه فلسفی نسبتاً متروک

– ادعا: تنها ماده و قوانین فیزیکی برای توضیح هستی کافی فرض می شوند

- ورای واقعیت (ماده) گرایان / حقیقت گرایان

– علاوه بر دنیای واقعی، حقیقتی ورای واقعیت وجود دارد

– غیر قابل حس با حواس پنجگانه نیست

- ندانم انگاران (شک گرایان، Agnosticism)

– پاسخ دقیق علم

- نه می تواند ثابت کند، نه رد

از کجا می دانیم
ورای واقعیت
هست؟

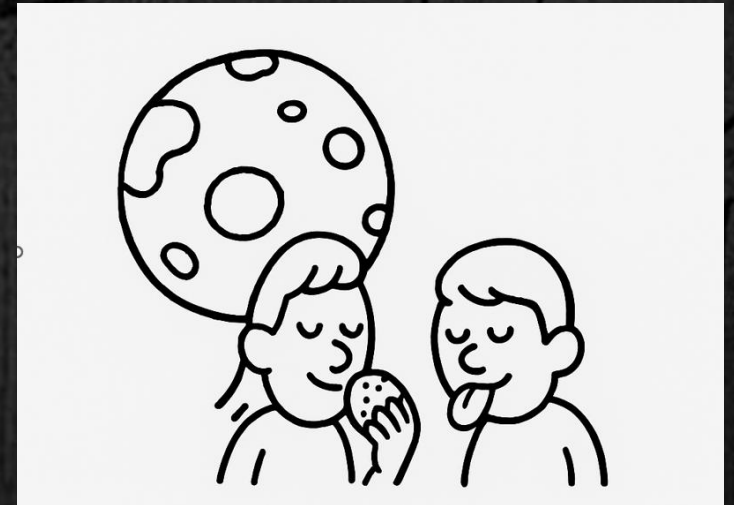
انکه بیاد جان مرا

از کجا می دانیم
ورای واقعیت
هست؟

کی شنیده؟
کی دیده؟
کی حس کرده؟

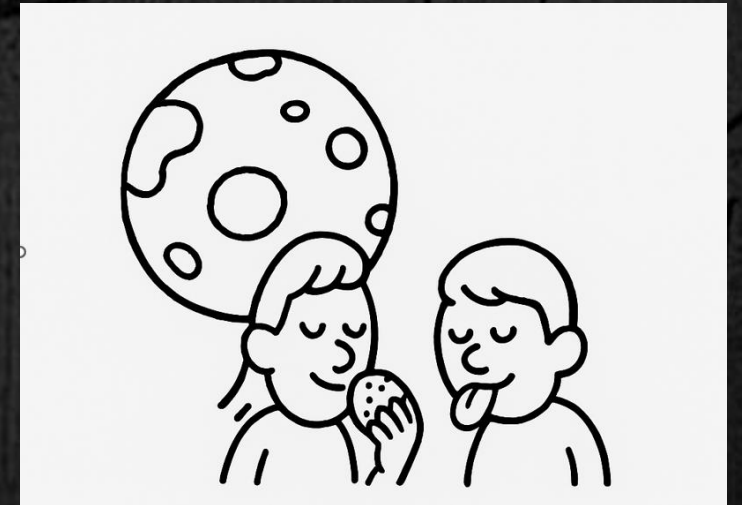
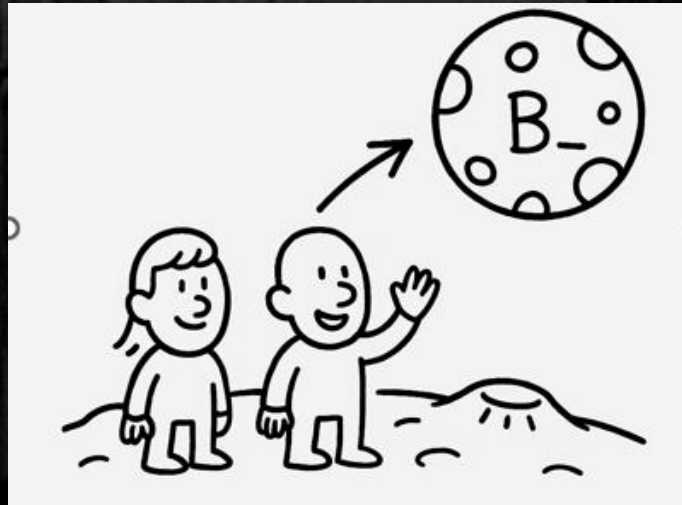
قصه حس های ما: چشیدن و شنیدن و دیدن و باور

- سیاره A که مردمش تنها حس چشایی و لامسه داشتند



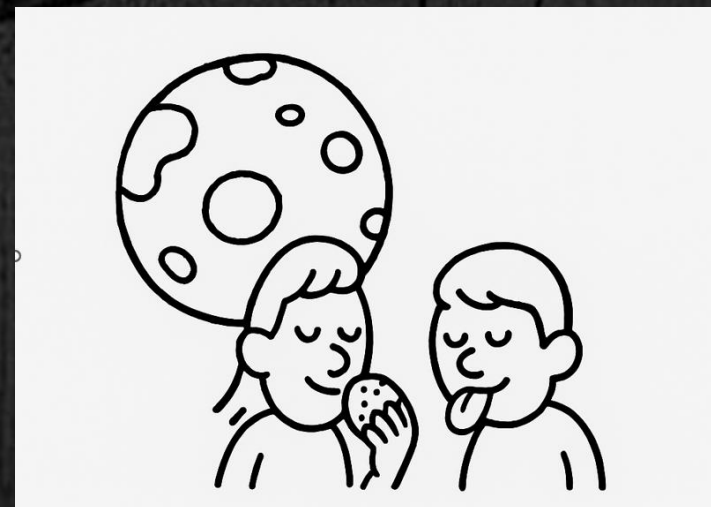
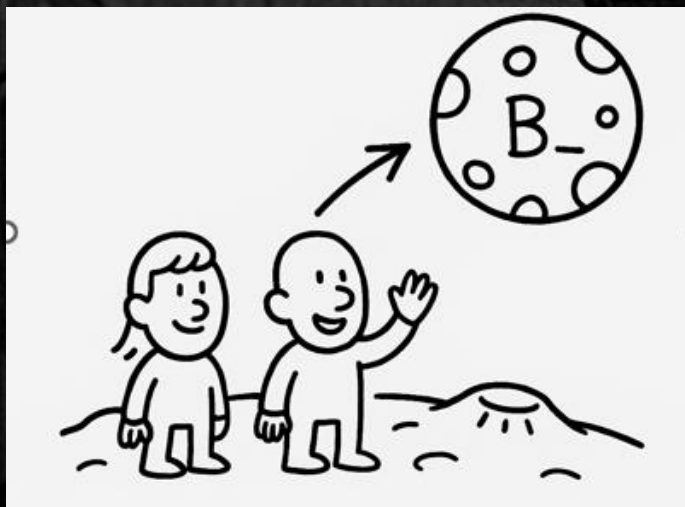
قصه حس های ما: چشیدن و شنیدن و دیدن و باور

- سیاره A که مردمش تنها حس چشایی و لامسه داشتند
- بعضی (عارفان) به سیاره B رفتند برای معالجه بینایی و شنوایی و بویایی



قصه حس های ما: چشیدن و شنیدن و دیدن و باور

- سیاره A که مردمش تنها حس چشایی و لامسه داشتند
- بعضی (عارفان) به سیاره B رفتند برای معالجه بینایی و شنوایی و بویایی
- تکامل -- < دریافت بسیار کامل تر از هستی -- < به دیگران خبر دادند



قصه حس های ما: مدعیان سه گروه شدند: هر سه برای دیگران از درک جدید گفتند

حقیقت

1) کسانی که حس های نهفته شان بیدار شد و به حقیقت دست یافتند و درک کامل تری ای هستی گرفتند

توهم

2) کسانی که به توهم دچار شدند و باورشان شد که حس های جدیدی پیدا کردند

دروغ

3) کسانی که به دروغ ادعا کردند تا بهره برداری کنند

قصه حس های ما : واکنش مردم (ما)

ایمان

- (1) ایمان آوردند رفتند تا حس های خود را درمان کنند

شک

- (2) در شک ماندند که آیا هیچ یک راست می گویند؟

انکار

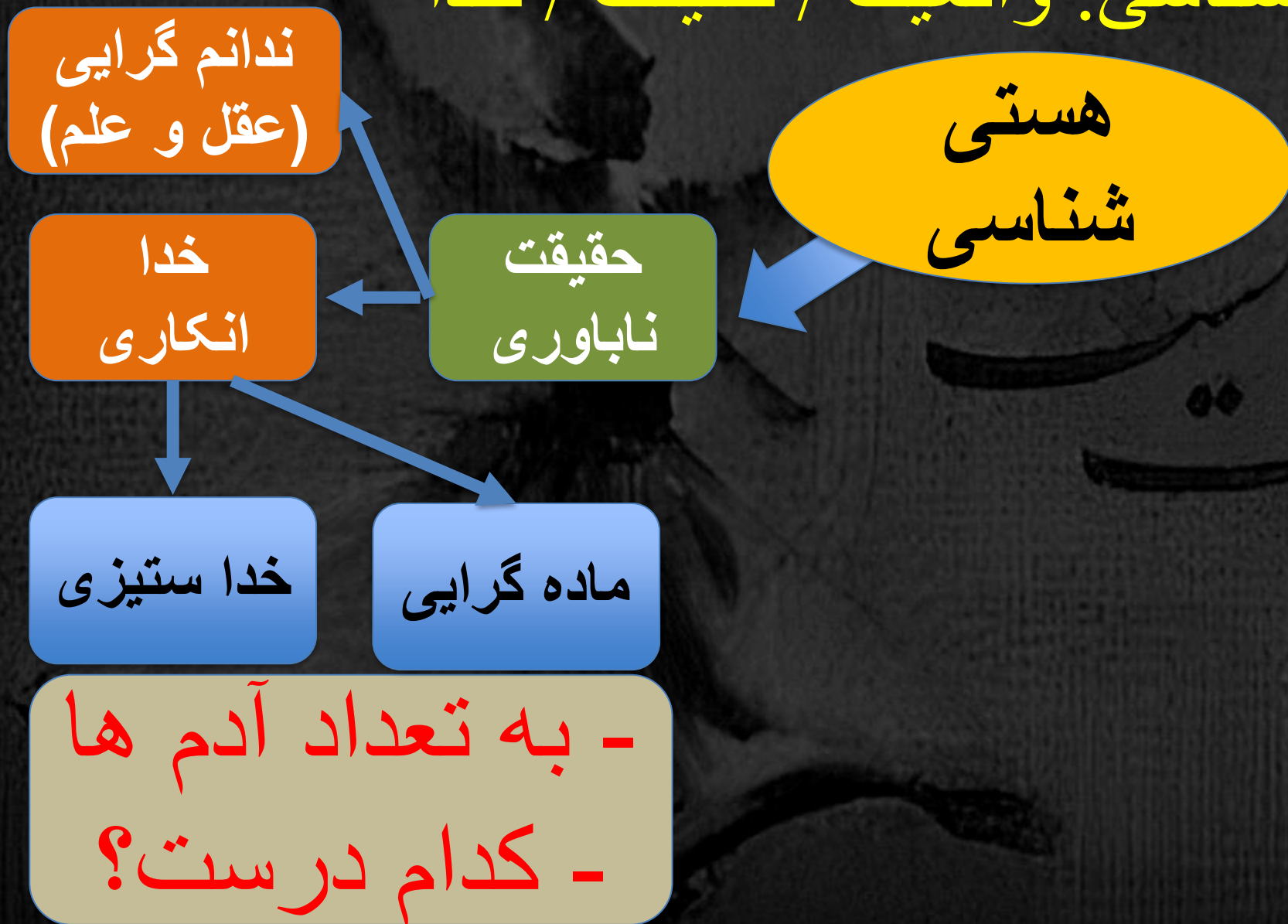
- (3) هر که از حس ها و درک تازه گفت را به دروغگویی متهم کردند.
– اینها می خواهند ارزش لامسه (عزیزترین و برترین حس ما) را کم کنند = **توهین به لامسه**



درس قصه حس‌های ما

- ادعاهای ورای واقعیت — هر سه وجود دارد:
 - **حقیقت** — کسانی واقعاً دیده‌اند
 - **توهم** — کسانی فریب خود شده‌اند
 - **دروغ** — کسانی به نیت سوء گفته‌اند
- ما نمی‌توانیم با حواس پنجگانه از بیرون دآوری قطعی کنیم
- هر نگاه (ایمان، شک، انکار) یک اختیار است
- **پل به نیمه دوم سخنرانی:** حس‌های درون را بیدار کنیم و پرورش دهیم
 - «حس‌های دل» در عرفان = تجربه درون

هستی شناسی: واقعیت / حقیقت / خدا



هستی شناسی: واقعیت / حقیقت / خدا



هستی شناسی: واقعیت / حقیقت / خدا



انمی دانیم!

دانش و عقل نتیجه ای قطعی برای ما ندارند

دانسته یا ندانسته

نگاهی را اختیار می کنیم

نگاه اختیاری، ولی نتایج منطقی غیر اختیاری

تاثیر ندانسته بر زندگی ما

نتیجه!

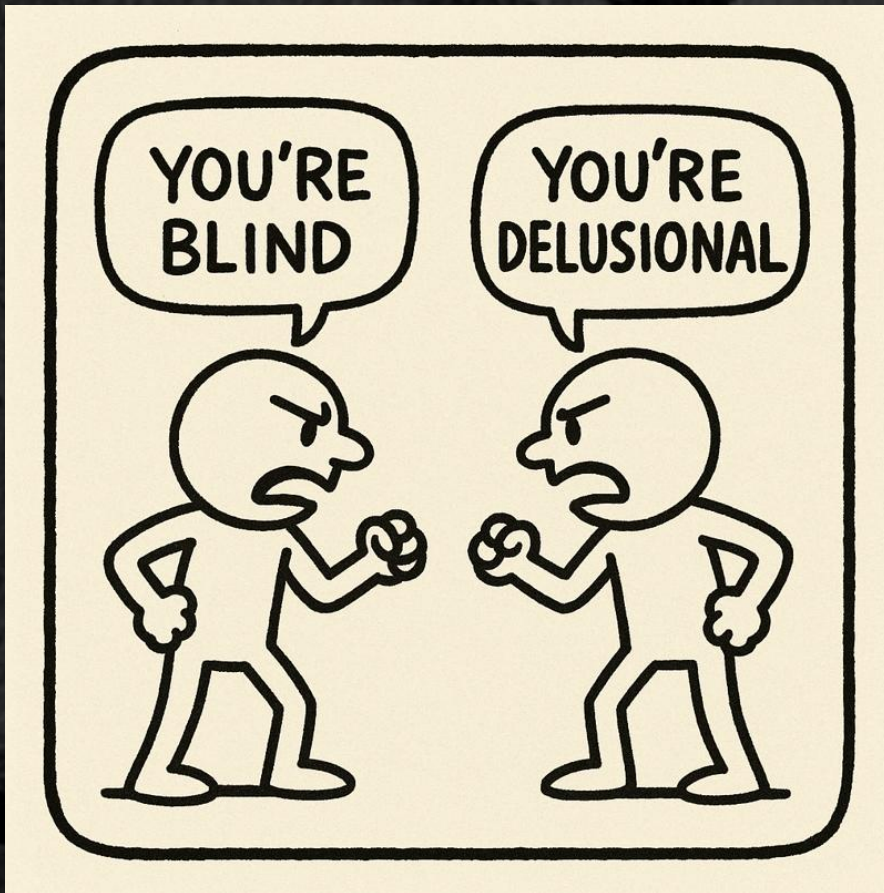
ما تنها هستی شناسی را اختیار نمی کنیم
بلکه

دانسته یا نادانسته

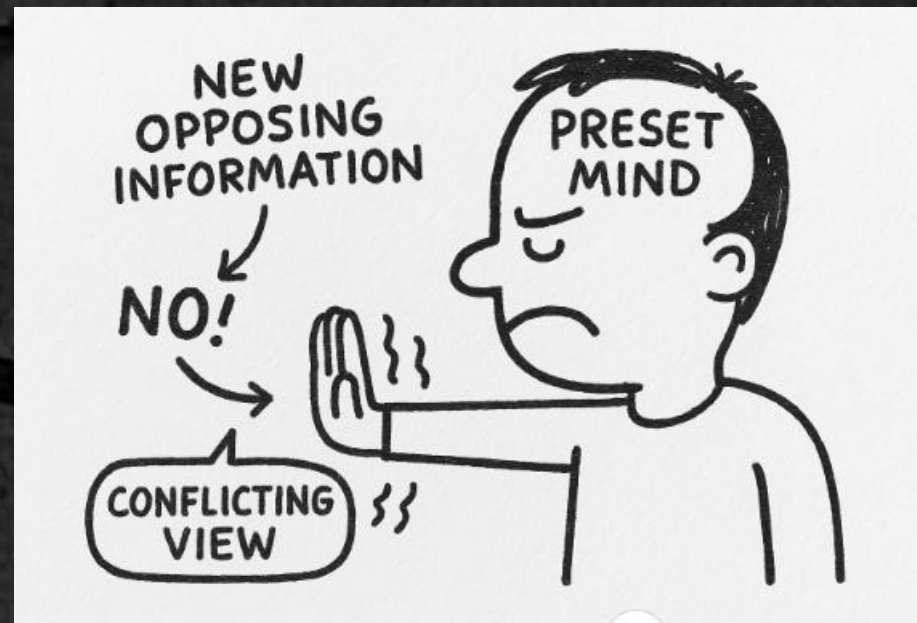
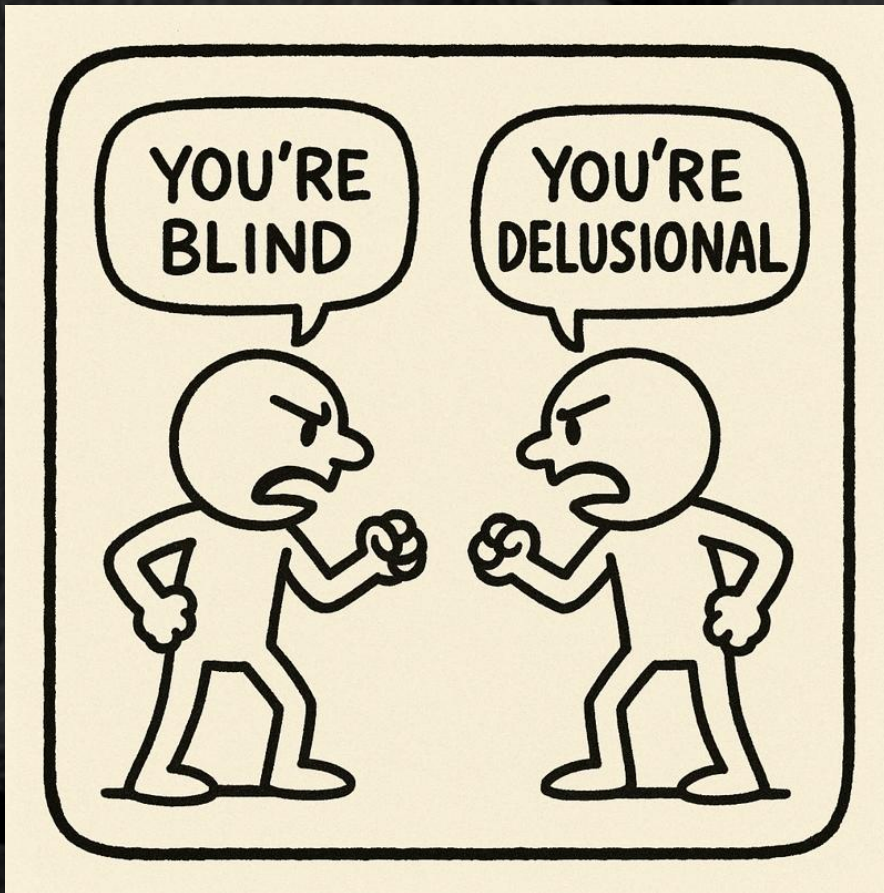
چگونه بودن و چگونه زیستن و چگونگی حال

خود را هم اختیار می کنیم.

بنیان های هستی شناسی + روش شناسی در اساس متفاوت



بنیان های هستی شناسی + روش شناسی در اساس متفاوت



اختیار هستی شناسی برای خود
با آگاهی ناچیز <==>
هویت ما + تعصب ما

تصویر ذهنی ما از واقعیت و حقیقت

- تصویر ذهنی

- دریافت های حسی

- پیش زمینه ها ذهنی روانی

- پردازش درونی

- <==> تصویر ذهنی

- ** از نظر ما واقعی و حقیقی **

- پیش فرض ما <==> تصویر ذهنی ما

- تصویر ذهنی ما <==> درک ما



تصویر ذهنی ما از واقعیت و حقیقت

- تصویر ذهنی

- دریافت های حسی

- پیش زمینه ها ذهنی روانی

- پردازش درونی

- <==> تصویر ذهنی

- ** از نظر ما واقعی و حقیقی **

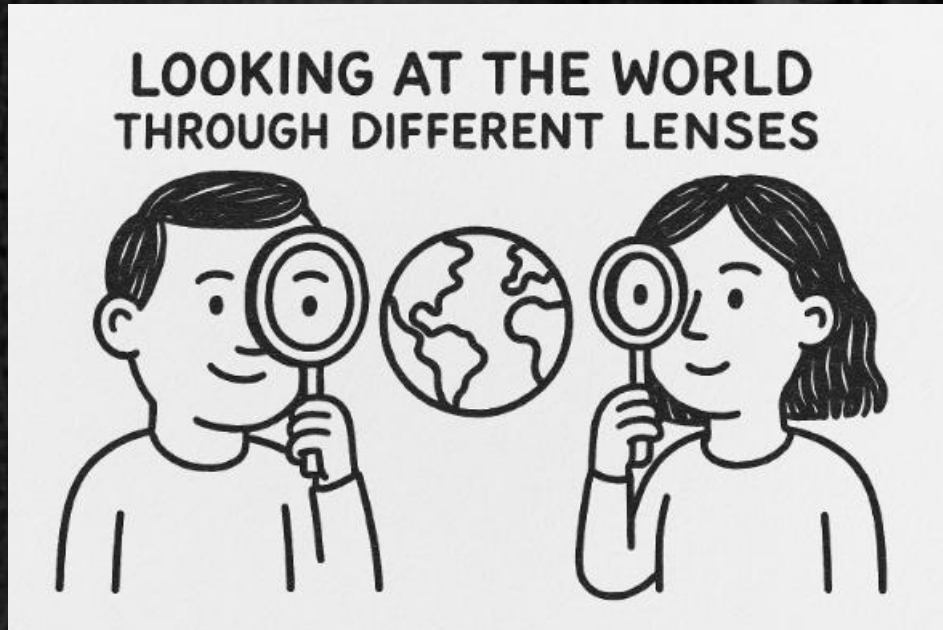
- پیش فرض ما <==> تصویر ذهنی ما

- تصویر ذهنی ما <==> درک ما

آیا اختلاف در میزان دانش است؟



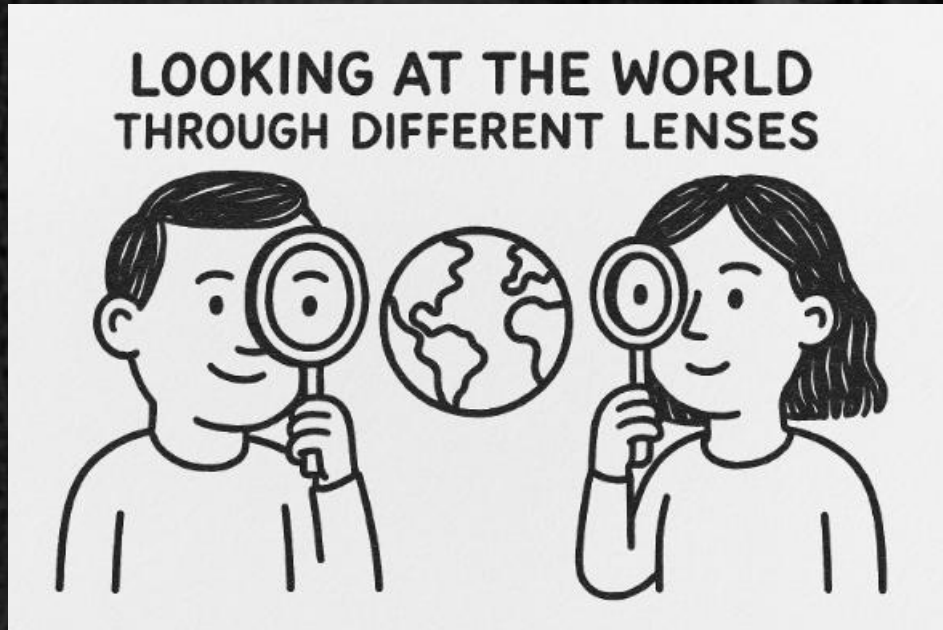
نگاه به هستی از عینک (مدل هستی شناسی) خودمان {تکامل یا فرگشت} + {خدا یا اسطوره}



دانشمند، متفکر، و بقیه



نگاه به هستی از عینک (مدل هستی شناسی) خودمان {تکامل یا فرگشت} + {خدا یا اسطوره}



دانشمند، متفکر، و بقیه

حقیقت
ناباور

دانشمند
متفکر

حقیقت
باور

انتخاب بعضی
شواهد

قصه پردازی

تنها گاهی دگرگونی در
هستی شناسی

ثابت های فیزیکی بسیار دقیق هستی: مسئله دقت هستی (Fine Tune): نزدیک به محال است تصادفی باشد

Constant	Symbol	Approx. Fine-tuning Sensitivity	Effect of $\pm 1\%$ Change
Gravitational constant	G	0.01%~0.1%	No galaxies or over-dense universe
Strong nuclear coupling	g_s	$\lesssim 1\%$	No hydrogen or no heavy elements
Fine-structure constant	α	$\lesssim 1\%$	Unstable atoms and chemistry
Proton/electron mass ratio	m_p/m_e	$\lesssim 1\%$	Unstable atoms, altered chemistry
EM/gravity force ratio	—	0.01%~0.1%	No stable stars

ثابت های فیزیکی بسیار دقیق هستی: مسئله دقت هستی (Fine Tune): هنوز توضیح علمی برایش نیست.

Constant	Symbol	Approx. Fine-tuning Sensitivity	Effect of $\pm 1\%$ Change
Gravitational constant	G	0.01%~0.1%	No galaxies or over-dense universe
Strong nuclear coupling	g_s	$\lesssim 1\%$	No hydrogen or no heavy elements
Fine-structure constant	α	$\lesssim 1\%$	Unstable atoms and chemistry
Proton/electron mass ratio	m_p/m_e	$\lesssim 1\%$	Unstable atoms, altered chemistry
EM/gravity force ratio	—	0.01%~0.1%	No stable stars



دانش و تجربه علمی که برخی را به حقیقت‌باوری نزدیک کرد

Scientist	Field	Original	Later	Reason
Antony Flew	Philosophy	Atheist	Deist	Origin of life / DNA
Francis Collins	Genetics	Atheist	Christian	Moral law + C. S. Lewis + order of life
Allan Sandage	Astronomy	Atheist	Christian	Cosmology + existence/purpose
Alister McGrath	Molecular Biophysics / Theology	Atheist	Christian	Limits of atheism
Rosalind Picard	AI/MIT	Atheist	Christian	personal reflection + experience
Scientist	Field	Original	Later	Reason

نتیجه: دانش بیشتر لزوماً به حقیقت **ناباوری** و خدا **ناباوری** نمی انجامد

دانش و تجربه علمی که برخی را به طبیعت‌گرایی نزدیک کرد

Scientist	Field	Original	Later	Reason
Charles Darwin	Biology	Christian	Agnostic	Evolution
Richard Dawkins	Biology	Christian	Atheist	Evolution
Stephen Hawking	Physics	Secular	Atheist	Physics laws
Lawrence Krauss	Physics	Spiritual	Atheist	Quantum cosmology
Steven Weinberg	Physics	Jewish background	Atheist	No cosmic purpose

نتیجه: دانش بیشتر لزوماً به حقیقت باوری و خدا باوری نمی انجامد

نقطه مشترک
تمرکز آنها

خدای آنها = خدای آفریننده (تنها کارکرد)
برای توضیح واقعیت های جهان

تمرکز عرفان
نیست

رابطه
عقلانی

خدای
ابزاری

چرا خدا
گریزی

ساختن تصویری
از یک خدای زشت و
دوست نداشتنی



چرا خدا
گریزی



ساختن تصویری
از یک خدای زشت و
دوست نداشتنی



خدای ساخته
خدا ستیزان
را خدا باوران هم
دوست ندارم

مثال هایی از تاثیر بنیادین هستی شناسی:

(1) اخلاق

(2) نیکوکاری و از خود گذشتگی

(3) عشق

(4) مرگ

هستی شناسی: آیا هستی شناسی ما "خود سازگار" است؟

اقلیدسی

1 خط موازی



اصول متفاوت : نتایج متفاوت

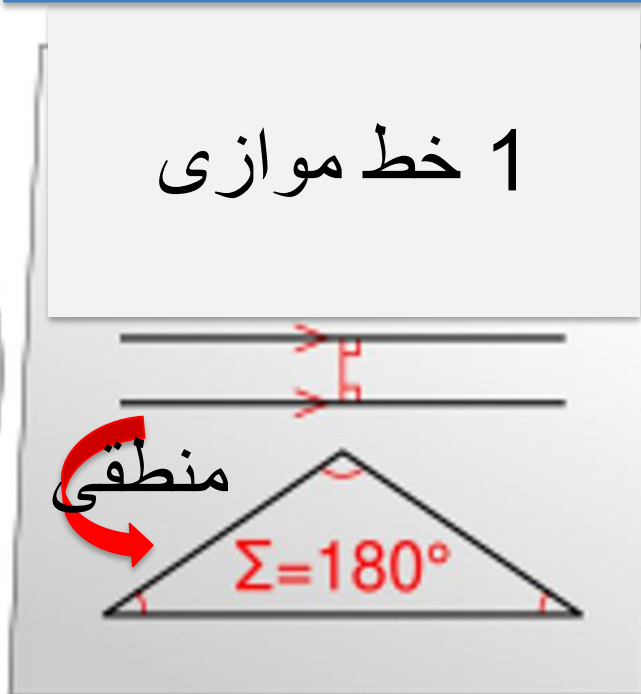
بیضوی

0 خط موازی



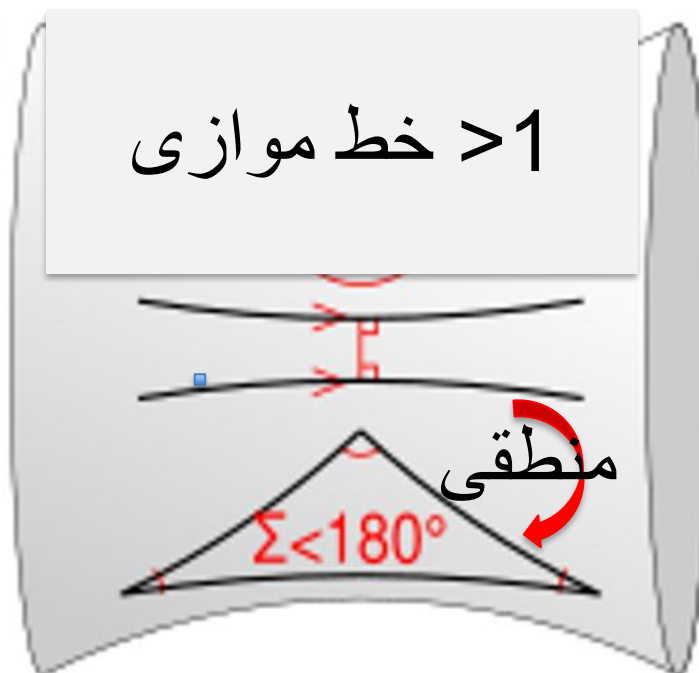
اقلیدسی

1 خط موازی

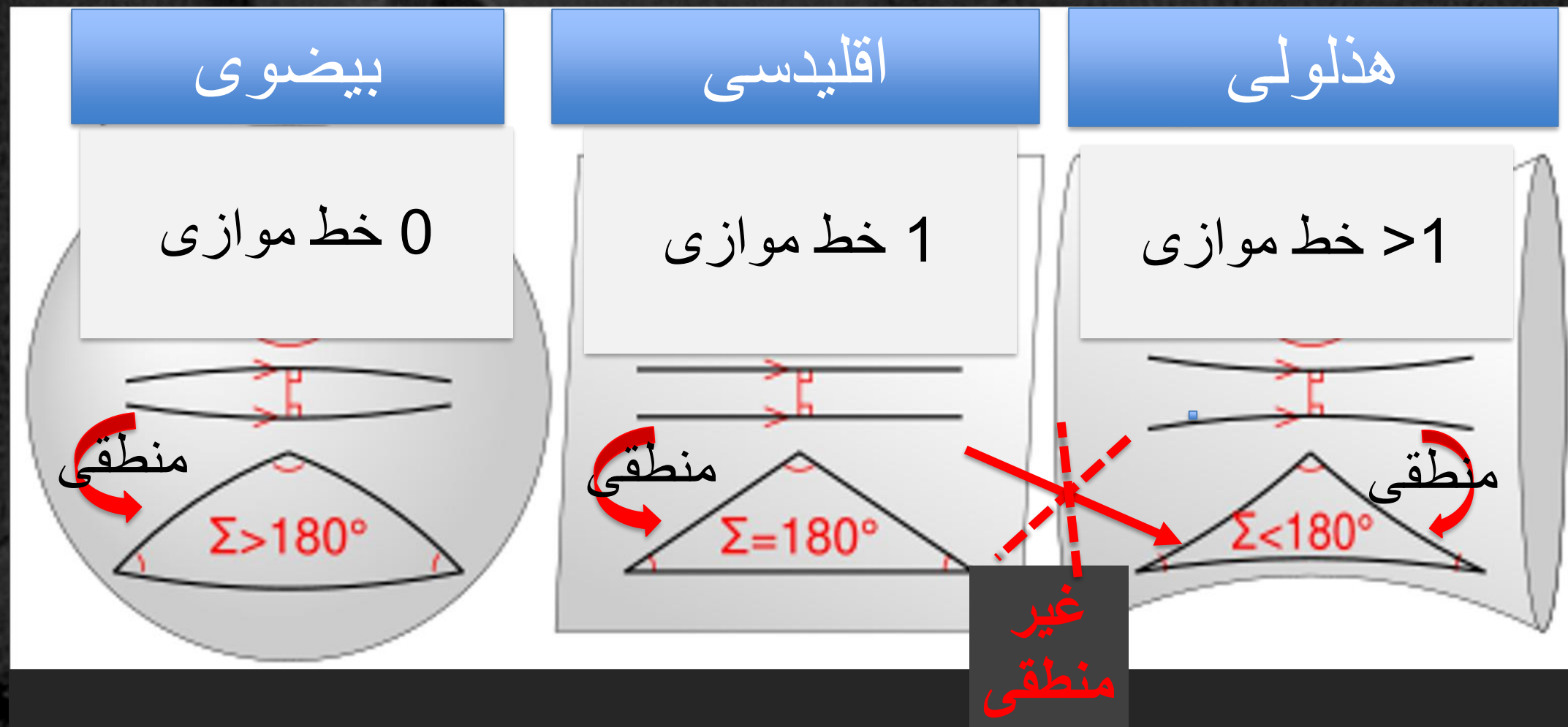


هذلولی

>1 خط موازی



هر نتیجه ای از هر اصلی نتیجه نمی شود



هر هستی شناسی هم نتیجه های خاص خودش را دارد

اخلاق: عواقب جاودان عمل **یا** شاید نوعی غریزه جانوری

اخلاق

واقعیت گرای محض

اخلاق: کارکرد مدار

تنها ساخته جامعه انسانی

بدون ارزش ذاتی

خلاف منافع شخصی!

اخلاق یونانی و قبیله
آدم خوار یک ارزش

اخلاق: عواقب جاودان عمل یا شاید نوعی غریزه جانوری

ورای واقعیتی هست

اخلاق: حق مدار

از نظام هستی

کرامت انسان
= ارزش

خطر بد فهمی حق:
برتر پنداری + فاجعه

اخلاق

واقعیت گرای محض

اخلاق: کارکرد مدار

تنها ساخته جامعه انسانی

بدون ارزش ذاتی

خلاف منافع شخصی!

اخلاق یونانی و قبیله
آدم خوار یک ارزش

حقیقت گرایی / مادی گرایی و اخلاق

- برای حقیقت گرایان، اخلاق توجیه عقلی (منفعت) دارد
— نه این که بیشتر حقیقت گرایان لزوماً با اخلاقند
- بسیاری بر اساس هستی شناسی خود عمل نمی کنند
- اخلاق و نیکوکاری بر خلاف منافع شخصی دنیایی، از مادی گرایی محض استنتاج نمی شود.

- نه این که مادی گرایان لزوماً بی اخلاقند
- بلکه اخلاق آنها از نتیجه منطقی هستی شناسی آنها نیست
- بسیاری از آنها افراد خوب اجتماعی، و بسیار با اخلاق هستند

حقیقت گرایی / مادی گرایی و اخلاق

- برای حقیقت گرایان، اخلاق توجیه عقلی (منفعت) دارد
— نه این که بیشتر حقیقت گرایان لزوماً با اخلاقند
- بسیاری بر اساس هستی شناسی خود عمل نمی کنند
- اخلاق و نیکوکاری بر خلاف منافع شخصی دنیایی، از مادی گرایی در نمی آید
— نه این که مادی گرایان لزوماً بی اخلاقند
- بلکه اخلاق آنها از نتیجه منطقی هستی شناسی آنها نیست
- بسیاری از آنها افراد خوب اجتماعی، و بسیار با اخلاق هستند

هستی شناسی تنها ذهنی: بی ارتباط با تجربه زیسته و چگونگی زندگی

نیکوکاری: عواقب جاودان عمل یا بقای گروهی

نیکوکاری
ایثار

فقط دنیا

برای بقای جمعی

بدون ارزش ذاتی

خلاف زرنگی

نیکوکاری: عواقب جاودان عمل یا بقای گروهی



عشق: بنیان هستی، یا تنها حسی زیستی برای بقای جانور

عشق

حق نا باور

فرگشت تصادفی

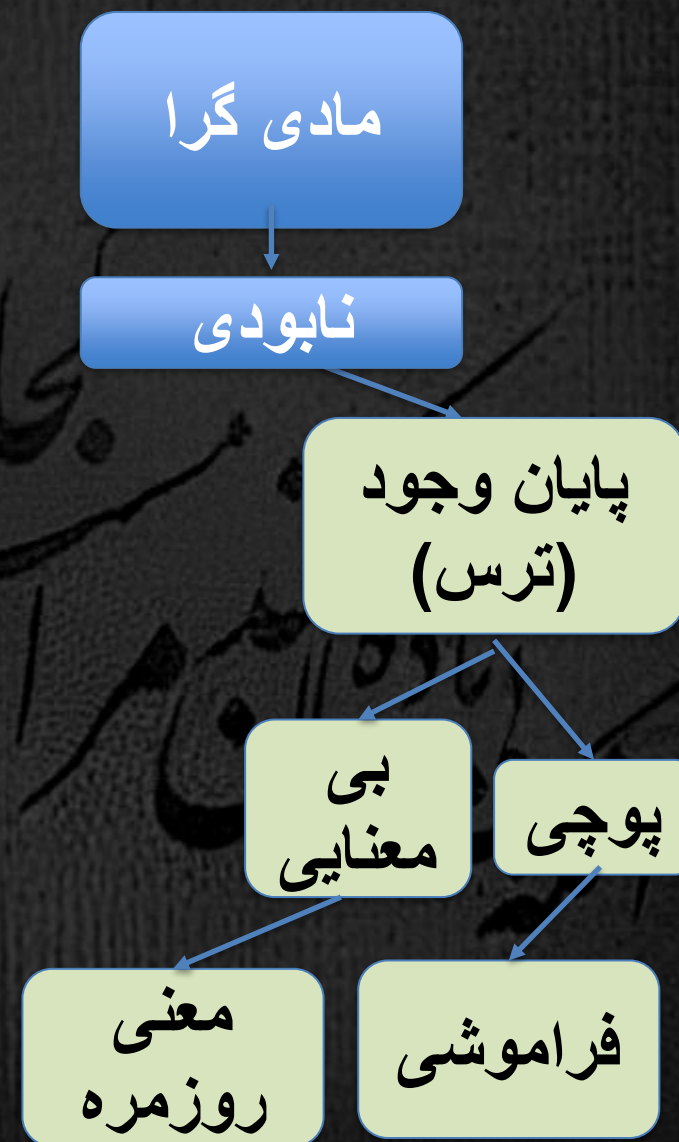
بدون ارزش ذاتی
حسی با کارکرد بقا

تولید مثل
حفاظت قبیله

عشق: بنیان هستی، یا تنها حسی زیستی برای بقای جانور



مرگ: پایان وجود **یا** گذر به پله بعدی



مرگ: پایان وجود یا گذر به پله بعدی



مرگ: پایان وجود یا گذر به پله بعدی



مرگ: پایان وجود یا گذر به پله بعدی



ما تنها هستی شناسی را اختیار نمی کنیم

فکر

حس درون

شیوه زندگی

ارتباطات با هستی

حاصل عمر

که از هستی شناسی ما نتیجه می شوند را هم اختیار می کنیم

چکیده

- اهمیت پرسش "معنی زندگی" / از هستی شناسی ما می آید
 - سلامت روانی + حس نیک بختی
- دیدگاه های مختلف هست
 - با نتایج مختلف برای چگونه زیستن
- آگاهی و داده بسیار ناکافی برای تصمیم گیری
- اختیار ماست که چه دیدگاهی را اختیار کنیم
 - و نتیجه اش را هم باید بپذیریم
- بسیاری افراد، مطابق پیامدهای منطقی هستی شناسی خود زندگی نمی کنند.

این همه حرف ها:
هستی شناسی؟ معنی زندگی؟

که چی؟

مثال: موجودات هوشمند در کهکشان دور



- بحث علمی/عقلی بسیار جذاب
- ذهن بسیار علاقه به موضوع دارد
- وقت می گذارد
- ولی هیچ اثری بر ما و زندگی ما ندارد
- تنها لذت ذهنی

مثال: سیگاری ها و مطالعه اثرات سیگار بر سلامتی

- سیگاری ها مطالعه می کنند بر اثرات بد سیگار
- سه گروه:

— سیگار را کم یا ترک کنند
— فقط حرف می زنند، بودن تاثیر
— سیگارشان بیشتر می شود



- معنی زندگی چه اثری ما بر ما می گذارد؟
- ما چه مطالعه ای می کنیم؟؟ برای چه هدفی؟؟



هستی شناسی
معنی زندگی

بازی فکری

بحث های عقلی
بی حاصل

هستی شناسی
معنی زندگی

شیوه
بودن

راه
زندگی

~~بازی فکری~~

~~بحث های عقلی
بی حاصل~~

هستی شناسی
معنی زندگی

شیوه
بودن

راه
زندگی

؟ نگاه ما ؟

بازی فکری

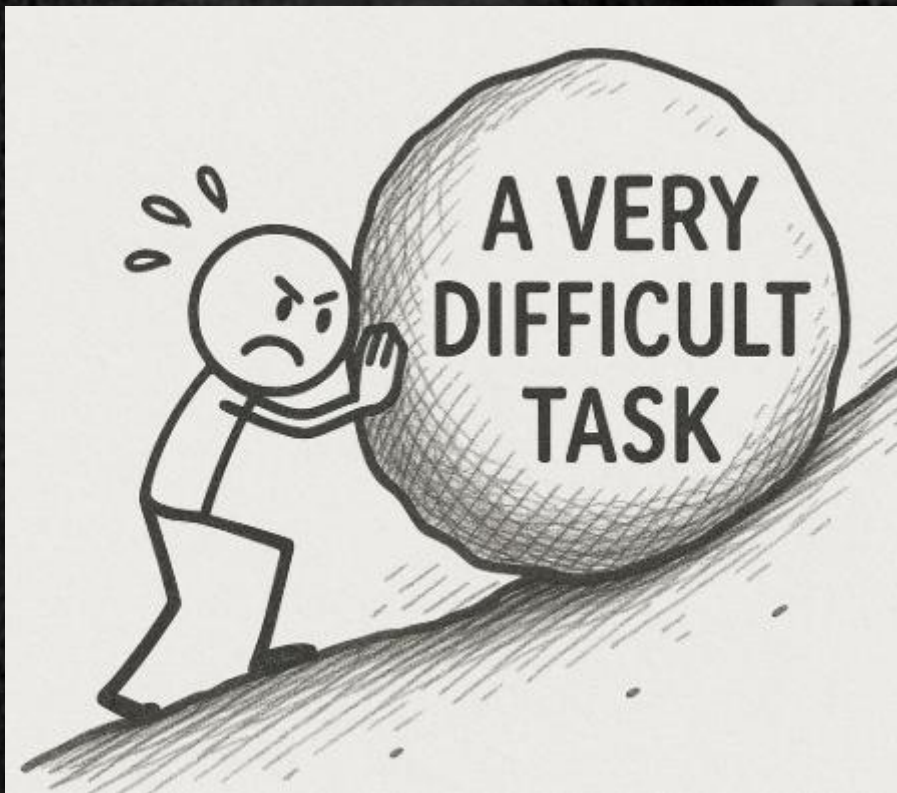
بحث های عقلی
بی حاصل

عرفان عاشقانه

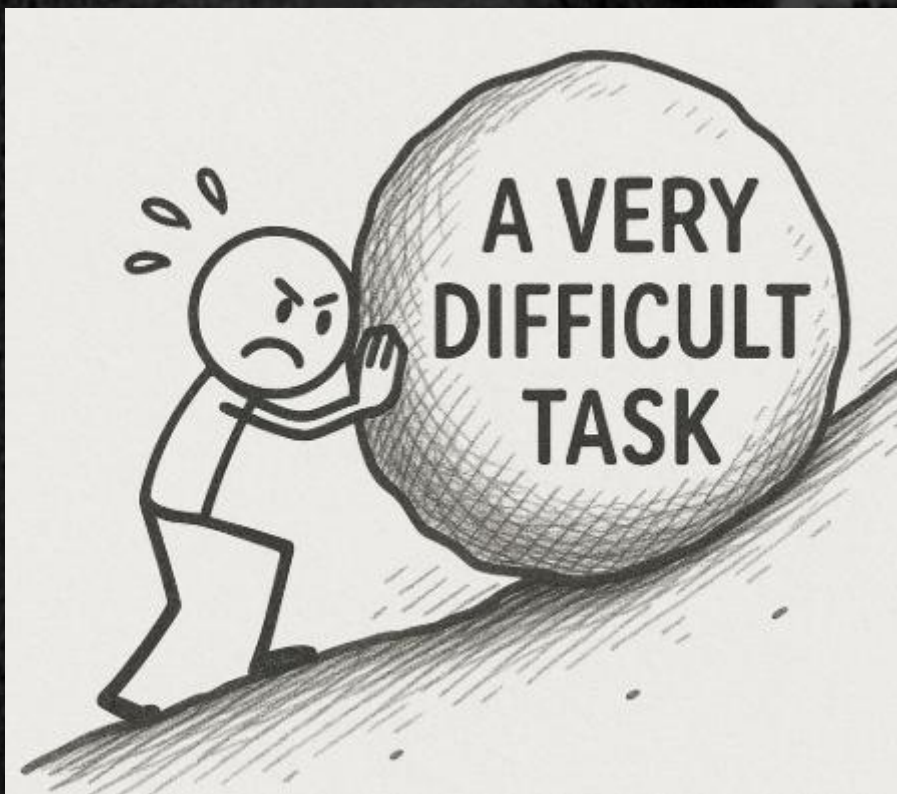
مولانا

به روایت فرید بهبهانی

سه کار دشوار (برای نیم ساعت آینده)



سه کار دشوار (برای نیم ساعت آینده)



پیش دآوری ها از حقیقت (خدا) را کنار بگذارید
مفهوم حقیقت (خدا) را از سازمان های دینی جدا کنید
درون باوری (اثر باور) نگاه کنید

روش نیمه دوم

- یک بسته خاص را نشان می‌دهم: **عرفان عاشقانه مولانا**
- این اثبات نیست — نمایش است
- بسته‌های دیگری هم هست (زاهدانه، بودایی، رواقی، اپیکوری، ...)
- **پرسش شما از خودتان** در طول نیمه دوم:
— آیا پیامدهای این بسته (عرفان مولانا) را می‌پسندم؟

اصول عرفان عاشقانه مولانا

• **حقیقت و کمال مطلق و رای واقعیت هست (معشوق-از کجا آمده ایم)**

– عالم حقیقی وجود دارد، شامل واقعیت ، بی نهایت برتر (خدا، اصل، هوشمندی، ...)

– همه خوبی ها و زیبایی ها و خوشی ها و نیک بختی ها در اوست

• **ما یک بخش حقیقی هم داریم (شناخت خود)**

– بی نهایت برتر از وجود واقعی –جنس حقیقت مطلق

• **توانایی رسیدن به حقیقت مطلق (پاسخ چرایی آمدن و هدف زندگی)**

– کمال خواهی ما --> حرکت کمال --> علت بودن + هدف زندگی

• **بهترین راه رفتن، راه عشق است (شناخت راه)**

– کج راه ها و چاه ها: عاقلانه رفتن ، با خودخواهی رفتن

– دیو ها و راهزن ها و موانع راه: نفس و خودخواهی و منیت

– شادمانه رفتن + زندگی خوش دنیایی + در نهایت حس نیک بختی

خدا



معشوق

خدا

عاشق و معشوق

یگانگی
با او

در
دل ما

همیشه
با ما

بینهایت
بخشنده

بینهایت
مهربان

بینهایت
زیبا

خدا

به وجود آوردن
حسی در ما

عاشق و معشوق

یگانگی
با او

در
دل ما

همیشه
با ما

بینهایت
بخشنده

بینهایت
مهربان

بینهایت
زیبا

رابطه اصلی با خدا در عرفان: پروردگاری

- **رابطه خدا:** آفرینندگی (خلاقیت) – الوهیت – پروردگاری (ربوبیت)
- در عرفان، آفرینندگی و الوهیت فرض شده اند.
- اصل ارتباط با **پروردگاری:**

—خدای حاضر

—خدای پرورش دهنده و راهبر

—ارتباطی پیوسته و در هر لحظه

انسان

=

اصل:
حقیقت ما

+

ارزشمند:
واقعیت ما
(ابزار)

انسان

=

اصل:
حقیقت ما

+

ارزشمند:
واقعیت ما
(ابزار)

حرکت کمالی

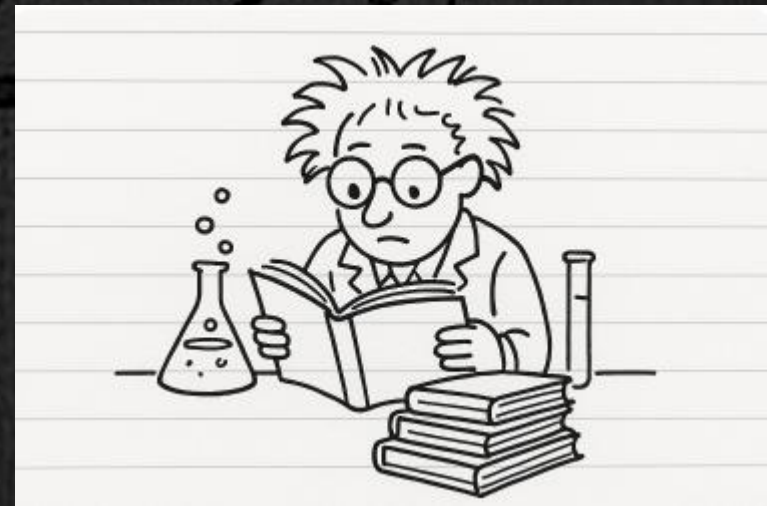
انتخاب اولویت: مثال: دانشمند و ورزشکار

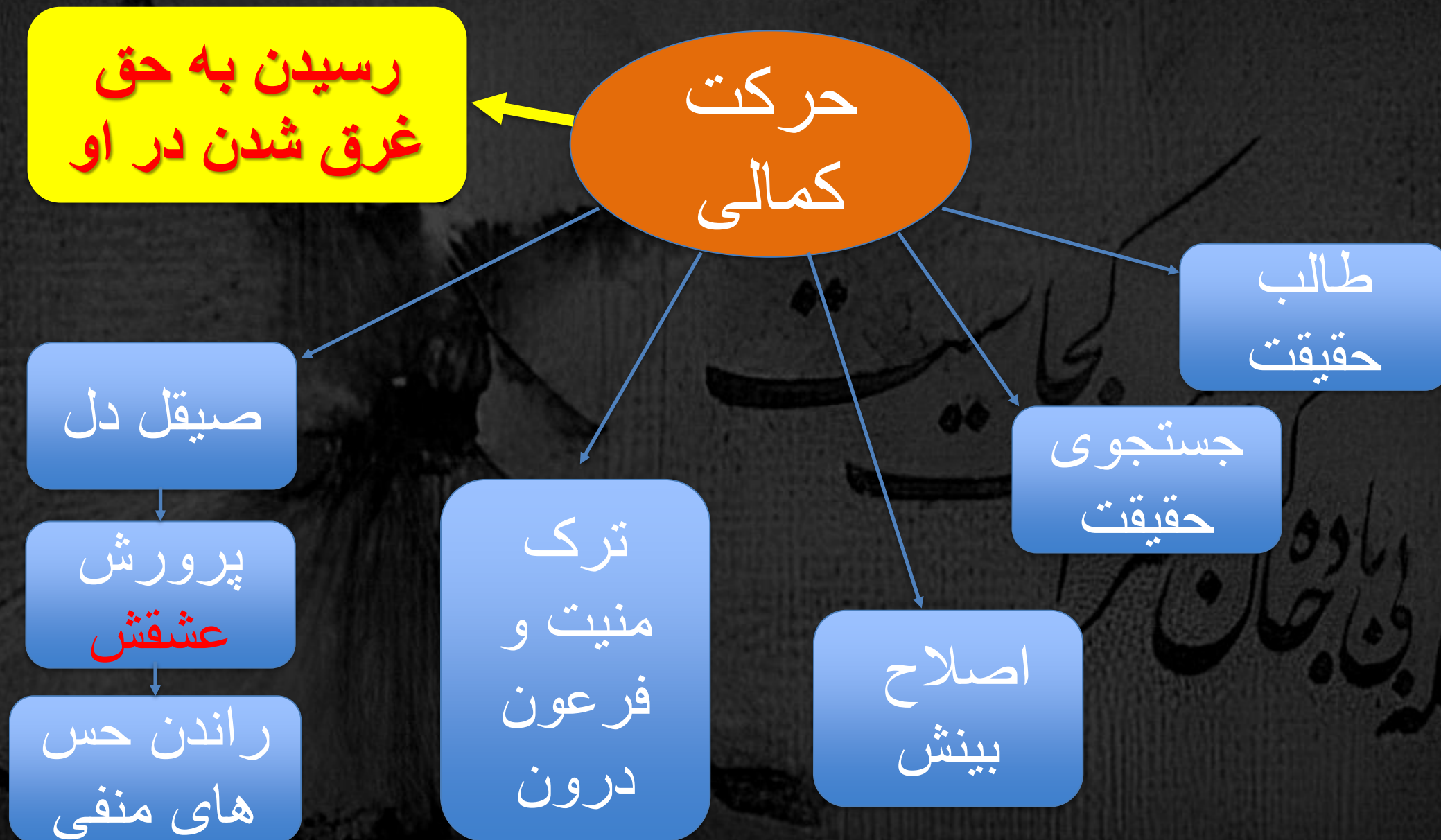
تخصیص
وقت و انرژی

المپیک



نوبل





نتیجه: چگونه زیستن

چگونه زیستن: هستی = "جلوه" زیبایی معشوق (آفرینش)

زندگی در زیبایی معشوق

عاشق آن قند تو جان شکرخای ماست
سایه‌ی زلفین تو در دو جهان جای ماست

از قد و بالای اوست عشق که بالا گرفت
و آنک بشد غرق عشق قامت و بالای ماست

چگونه زیستن: عشق و معشوق = محور زندگی

تو مرا جان و جهانی چه کنم جان و جهان را؟
تو مرا گنج روانی چه کنم سود و زیان را؟

تو دیدی هیچ عاشق را که سیری بود از این سودا؟
تو دیدی هیچ ماهی را که او شد سیر از این دریا؟

ای عشق طرب پیشه خوش گفت خوش اندیشه
بربای نقاب از رخ، آن شاه نقابی را

نردبان کمال = راه عشق



عقل:

اول راه

دل ما: ابزار

اصلی ما

برای رسیدن

به کمال

نردبان کمال = راه عشق

حق

دل

(شهود)

عقل

انسان

- دل
بحث ندارد
- عشق
دلیل عقلی
نمی خواهد

عقل:
اول راه

دل ما: ابزار
اصلی ما
برای رسیدن
به کمال

نردبان کمال = راه عشق

حق

دل-
بحث ندارد

عشق-
دلیل عقلی
نمی خواهد

عقل عشق را نمی فهمد
عقلِ نا بجا
سدِ راه

انسان

سقوط

عقل:
اول راه

دل ما: ابزار
اصلی ما
برای رسیدن
به کمال

پیوند و ارتباط با خدا



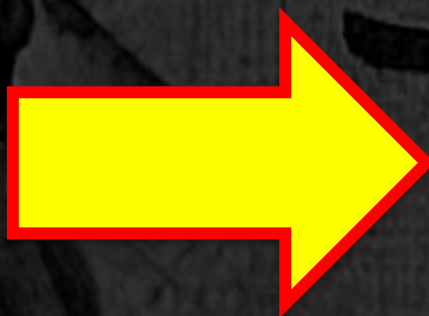
با عشق
زیباترین و نیرومند ترین
حسن مثبت انسانی

سایه اش: تجربه عشق دنیایی



کجاسے
انکہ بیادہ جان مرا

تجربه عشق
دانستن نیست



عشق ورزیدنی است



چگونه زیستن: عشق (مهر و محبت) = تکامل و تبدیل ما

از محبت تلخها شیرین شود / از محبت مسها زرین شود
از محبت دُردها صافی شود / از محبت دَردها شافی شود
از محبت مرده زنده می‌کنند / از محبت شاه بنده می‌کنند
این محبت هم نتیجه دانشست / کی گزافه بر چنین تختی نشست

چگونه زیستن: حس رشد کمالی + حس عزت نفس و بزرگی

منگر به هر گدایی که تو خاص از آن مایی
مفروش خویش ارزان که تو بس گران بهایی

ما ز بالایم و بالا می رویم

ببیند سنگ سر خود درون لعل و پیروزه
که گنجی دارم اندر دل کند آهنگ بالایی

ز خوی خویش سفر کن به خوی و خلق خدا

چگونه زیستن: بسی برتر از عقل، با عشق رفتن

عقل بسیار ارزشمند

تا چه عالم‌هاست در سودای عقل
تا چه پهناست این دریای عقل

پس چه باشد عشق؟ دریای عدم
در شکسته عقل را آن جا قدم

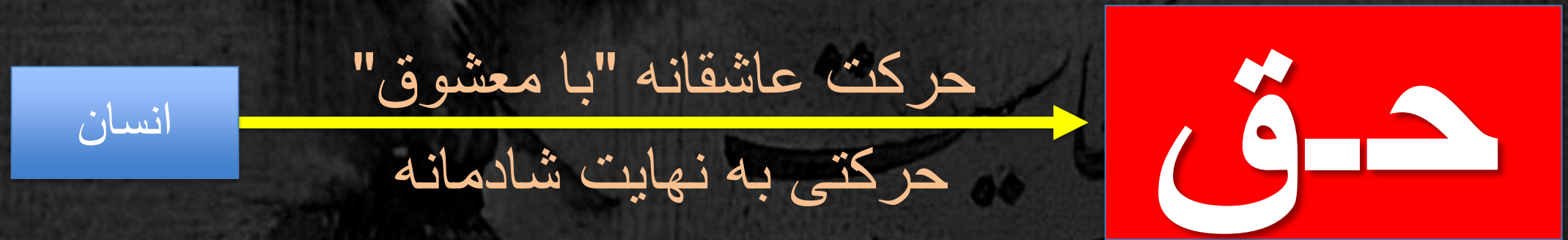
عقل جزوی عشق را منکر بود
گرچه بنماید که صاحب سر بود
زیرک و دانا است اما نیست نیست
تا فرشته لا نشد اهریمنی است

ولی عقل خودخواه
عشق را نمی فهمد

چگونه زیستن: محدود به عقل نبودن – بیکران بودن

عقل گوید شش جهت **حدست** و بیرون راه نیست
عشق گوید **راه هست** و **رفته‌ام** من بارها

چگونه زیستن: شادمانه رفتن و به نیک بختی رسیدن



نهایت
شادمانی
و
نیک بختی
جاودانه

چگونه زیستن: شادمانه رفتن و به نیک بختی رسیدن

انسان

حرکت عاشقانه "با معشوق"
حرکتی به نهایت شادمانه

حق

**** معنی زندگی از نظر مولانا ****
تجربه زندگی دنیایی = اختیار کردن حرکت کمالی
نزدیکی و رسیدن و پیوستن به کمال مطلق (خدا)

نهایت
شادمانی
و
نیک بختی
جاودانه

چگونه زیستن: زندگی عاشقانه

عمر که بی عشق رفت هیچ حسابش مگیر
آب حیاتست عشق در دل و جانش پذیر

دانی که پس از عمر چه ماند باقی
مهر است و محبت است و باقی همه هیچ

چگونه زیستن: پیوسته با معشوق بودن

اندر دل من، درون و بیرون همه او است
اندر تن من، جان و رگ و خون همه او است

من محو خدایم و خدا آن منست
هر سوش مجوئید که در جان منست

چه نگو طریق باشد که خدا رفیق باشد
سفر درشت گردد چو بهشت جاودانی

ای قوم به حج رفته کجایید کجایید
معشوق همین جاست بیایید بیایید

چگونه زیستن: با لذت ، شاد ، شادمان ، نیک بخت

من طربم طرب منم زهره زند نوای من
عشق میان عاشقان شیوه کند برای من

کسانی را که روشن سوی قبله‌ست
سماع این جهان و آن جهانست

تا من بدیدم روی تو، ای ماه و شمع روشنم
هر جا نشینم خرمم، هر جا روم در گلشنم

چگونه زیستن: شادی درون – مستقل از شرایط بیرون

گر بود اندیشه‌ات گل، گلشنی / ور بود خاری، تو هیمة گلخنی

بر همگان گر زفلک، زهر بیارد همه شب / من شکر اندر شکر اندر شکر اندر شکر

مرا عهده‌ست با شادی، که شادی آن من باشد / مرا قولی‌ست با جانان که جانان، جان من باشد

شما مست نگشتید، وزان باده نخوردید / چه دانید چه دانید که ما در چه شکاریم

چگونه زیستن : عشق به هستی

**معشوق
بی کران**

اگر عاشقیم: بر
هر اثری از او

به هر جا رو کنیم
جلوه زیبایی او

عشق به همه
(انسان اجتماعی نیک)

**عاشقم بر همه عالم
که همه عالم از اوست**

چگونه زیستن: معشوق را همه جا دیدن

همه جمال تو بینم چو چشم باز کنم
همه شراب تو نوشم چو لب فراز کنم

هر که را هست از هوس ها جان پاک
هر کجا رو کرد ، وجه الله بود

عشق به انسان ها – عشق به طبیعت – عشق به همه

چگونه زیستن: مرگ دنیایی همان زندگی <= شادمانه

- آیا آن طرف خبری هست؟

- مادی گرا <= نیست

- حقیقت گرا <= هست

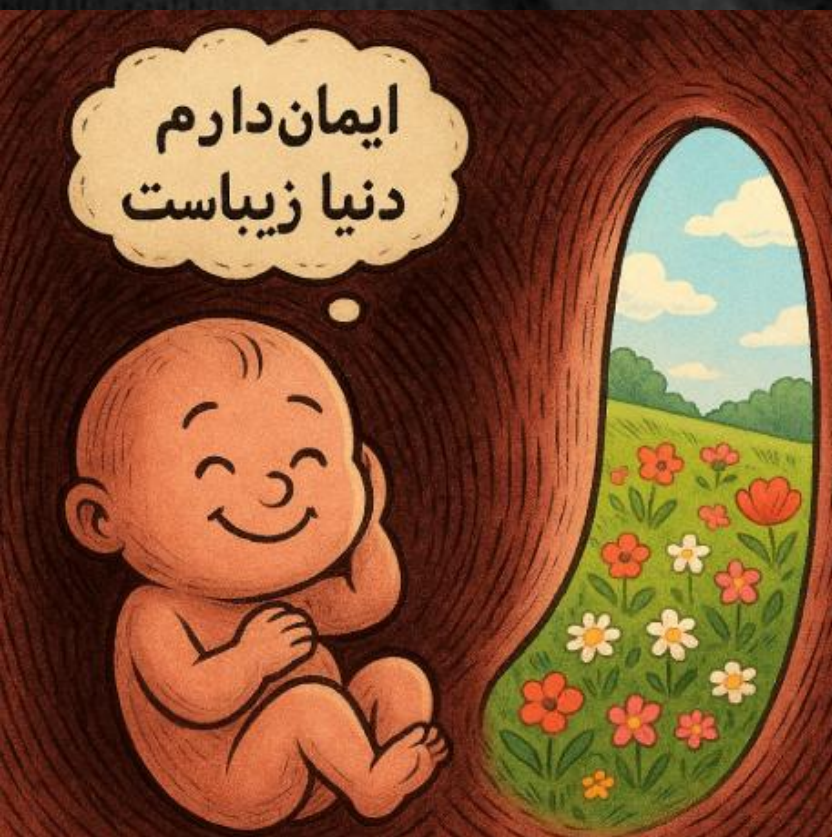
- آیا زیبایی است یا زشتی؟

- *** تا در رَحِم دنیا هستیم نمی دانیم ***

- آیا نوعی از باور به عالم حقیقت هست که در دنیا نیک بخت باشیم، و هم پس از مرگ، اگر بعدی بود؟



چگونه زیستن: مرگ دنیایی همان زندگی <= شادمانه



- آیا آن طرف خبری هست؟
 - مادی گرا <= نیست
 - حقیقت گرا <= هست
- آیا زیبایی است یا زشتی؟
- *** تا در رَحِم دنیا هستیم نمی دانیم ***
- آیا نوعی از باور به عالم حقیقت هست که در دنیا نیک بخت باشیم، و هم پس از مرگ، اگر بعدی بود؟
- عرفان: حقیقت بی نهایت زیبا پس مرگ، اگر بسازیم
 - پیوستن به معشوق – بالا رفتن پرده فاصله

چگونه زیستن: مرگی مانند زندگی شادمانه

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد
گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

مرگ = آینه حال حقیقی ما

چون جان تو می‌ستانی، چون شکر است مردن / با تو ز جان شیرین، شیرینتر است مردن
مرگ آینه‌ست و حسنت، در آینه درآمد / آینه بربگوید، خوش منظر است مردن
گر یوسفی و خوبی، آیینه‌ات چنان است / ورنی در آن نمایش، هم مضطر است مردن

چگونه زیستن: زندگی خوب و اخلاقی دنیایی

زندگی خوب دنیایی بسیار هم خوب است،
مگر راهمان از اصل خود دورمان کند

چیست دنیا از خدا غافل بدن نه قماش و نقده و میزان و زن
مال را کز بهر دین باشی حمول نعم مال صالح خواندش رسول
آب در کشتی هلاک کشتی است آب اندر زیر کشتی پستی است

بَرَمَکن پَر را و دَل برکن ازو

چگونه زیستن: در اکنون

هست هشیاری ز یاد ما ماضی
ماضی و مستقبلت پرده خدا

چگونه زیستن: تاب آوری در برابر سختی ها

تو مبین این پایها را بر زمین
زانک بر دل می‌رود عاشق یقین

ای در زمین ما را قمر، ای نیم‌شب ما را سحر
ای در خطر ما را سیر، ای ابر شگربار من

چگونه زیستن: زندگی با امید، منبع امید=معشوق هستی

ناامیدی را خدا گردن زدست
چون گنه مانند طاعت آمدست

نی مشو نومید و خود را شاد کن
پیش آن فریادرس فریاد کن

نومید مشو جانا کاومید پدید آمد
اومید همه جانها از غیب رسید، آمد

چگونه زیستن: امید برای رسیدن به کمال مطلق

غیرت تو گفت برو راه نیست
رحمت تو گفت بیا هست هست

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست
ما به چمن می‌رویم عزم تماشا که راست؟
نوبت خانه گذشت نوبت بستان رسید
صبح سعادت دمید وقت وصال و لقاست

چگونه زیستن: دعای با عمل: ارتباط با قدرتِ مهربانِ مطلق

با توکل زانوی اشتر ببند

خواجه چون بیلی به دست بنده داد
بی زبان معلوم شد او را مراد

منگر اندر ما مکن در ما نظر
اندر اکرام و سخای خود نگر

ای ز غم مرده که دست از نان تهی است
چون غفور است و رحیم این ترس چیست؟

چگونه زیستن: زندگی بی غم

ای غم اگر مو شوی پیش منت بار نیست
پر شکرست این مقام هیچ تو را کار نیست

غصه در آن دل بود کز هوس او تهیست
غم همه آن جا رود کان بت عیار نیست

چگونه زیستن: اختیار و بازتاب و مسئولیت پذیری

گفت توبه کردم از جبر ای عیار
اختیارست اختیارست اختیار

این جهان کوهست و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا

چکیده

- هستی شناسی مولانا

—حقیقتی و رای واقعیت هست: عاشق و معشوق
• سرچشمه همه خوبی ها

- هستی شناسی: برای اختیار چگونه زیستن

—عاشقانه زیستن (عشق به هستی)
—رسیدن به آن خوبی مطلق
—پیوستن و یکی شدن با معشوق بی نهایت زیبا

نتیجه



کدام هستی شناسی
با کدام نتایج؟

■

■

کدام هستی شناسی
با کدام نتایج؟

کدام شیوه زندگی؟



کدام هستی شناسی
با کدام نتایج؟

کدام شیوه زندگی؟

اختیار با ماست!